

مقدمه :

این صدای نالهٔ دختر شانزده سالهٔ است که هرگز دست نوازش پدر بر سرش کشیده نشده و از احساس و عواطف پدر لذت نبرده است .

این صدای معصومانه و پاک قلبهای زخمی هزاران طفل و نوجوان افغان است که گرمی و لطافت آغوش پرمهر پدر را حس نکرده و در غیبت پدران رشیدشان مات و مبهوت اند و در دل‌های کوچکشان رنج بی‌پدری را احساس، خالیگاه و کمبود عمیق روحی و روانی را تجربه میکنند.

این صدای رسای فرزندان شهدای گمنام و بخون خفتهٔ افغانستان است که بر آنانیکه تخم بی‌پدری را کاشته اند و نسلی بخاطر امیال شومشان به اشکال مختلف قربانگاه رفته اند لعنت و نفرین میفرستند.

اینها میگویند مرگ بر وطن فروشان سرخ و سبز و باداران شان!

مرگ و نفرین بر تاجران خون شهدا و اربابان رهنما!

آزاد و آباد باد افغانستان !

من پدر گم کردم و هرگز ندیدم ناز او

من ندیدم مهر و الا سایهٔ تناز او

من نمیدانم دلم گمگشته در هجر پدر

در مسیر الفتی دست و دل و آواز او

شعر از شیوا نیزک

## برگردان بفارسی عزت آهنگر

### Ik mis jou

Er is een lege plek in mijn hart  
Ik weet niet wat het is  
Ik mis iets  
Een gevoel dat ik nooit heb gekend  
De liefde die ik nooit heb gehad  
Ik mis jou  
Maar wie ben jij  
Waarom mis ik jou?  
Degene die ik nooit heb gekend  
Het doet pijn  
Jij bleek mijn vader te zijn  
Ik mis jou  
Ik mis jou altijd  
Ik houd van jou

### من تورا کمبود دارم

یکجای خالی در قلبم وجود دارد  
نمیدانم این چیست ؟  
احساس کمبود میکنم  
یک حس که هیچگاه برایم شناخته نیست  
یک محبت که هیچگاه نمیشناسمش  
تورا کمبود دارم !  
اما تو کی هستی ؟  
چرا کمبودت را احساس میکنم ؟  
کسی را که هیچگاهی باخود نداشتم  
این خیلی درد آور است .  
مگر یک حس ناشناس بمن میگویی  
که آن چیزی که گم کرده واضح و روشن پدرت  
است }  
کمبودت را حس میکنم  
یادت میکنم  
ودوستت دارم .